

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز
۰۸ نومبر ۲۰۱۶

از خود بیگانگی در سیستم امریکا

امروز هشت نومبر، روز انتخابات ریاست جمهوری امریکاست. عده ای از مردم به پای صندوق های رأی می روند تا به شخص مورد نظر رأی بدهند. در واقعیت، این هیأت انتخاباتی (الکتروال کالج) است که نتایج انتخابات را در چهارشنبه دوم ماه دسمبر تعیین می کند. در جریان مبارزات انتخاباتی آشکار شد که تعداد کثیری از مردم از هر دو کاندید دلخور اند و آنها را شایسته ریاست جمهوری نمی دانند. در مدت ۴۰ سالی که در امریکا زندگی نموده ام، به این اندازه سیاست امریکا و جریان انتخابات را مبتدل ندیده ام. چیزی که مرا بیشتر متحیر ساخته است، تقلیل در صد رأی دهندگان به کاندیدان ریاست جمهوری است. این بدین معناست که بین مردم و سیستم یک نوع بیگانگی خلق شده است. درین مضمون مختصر می خواهم که بیعلاقگی مردم را در مجموع از سیستم و از انتخابات ۲۰۱۶ طور خاص ارزیابی نمایم. بین سیستم و مردم جدائی پدید آمده است. جای دارد که تیوری از "خود بیگانگی" کارل مارکس را به یاد آوریم که به ارتباط کارگر و تولیدش بیان کرده بود. از خود بیگانگی زمانی اتفاق می افتد که انسان از چیزی که خلق کرده، دور شود و نتواند مخلوق خود را به دست آورد. به طور مثال تولیدات طبقه کارگر متعلق به او نیست، بلکه به طبقه سرمایه دار تعلق می گیرد. سرمایه دار هم مالک کار کارگر است و هم مالک شیء تولیدی کارگر. دراین جاست که کارگر خود را نیز مانند یک کالا و شیء تولیدی می بیند که هم اختیار خود را ندارد و هم اختیار تولیدش را. بین مردم و سیستم در امریکا هم از خود بیگانگی در جریان است. مردم اختیار خود را ندارند، بلکه این سیستم است که آنها را به هر نحوی که خواسته باشد می چرخاند و مردم هم نسبت به سیستم اعتماد خود را از دست داده اند. دلیل ظهور ترمپ در حیات سیاسی امریکا خستگی مردم از سیستم حاکم بر کشور است. باوجودی که می دانند ترمپ هم جزء همین سیستم است و کاری از پیش برده نمی تواند، اما چون ترمپ کم و بیش به زبان بخش سفید نارام حرف می زند و سیستم را فاسد و آلوده معرفی کرده است، ادعایش در دل سفیدان کمتر تحصیل یافته و نارام خوب می نشیند. و الا ترمپ بلیونر کجا و طبقه کارگر و قشر خرده بورژوازی امریکا کجا.

نظر به احصائیه های مختلف، بیشتر از ۷۵ درصد مردم در امریکا می گویند که طرز مبارزات انتخاباتی هر دو کاندید نفرت انگیز است. اکثریت قریب به اتفاق مردم اظهار می دارند که مبارزات انتخاباتی یک نوع تنفر را در آنها خلق کرده است. با آنهم عده ای از مردم اظهار می دارند که این را "وجیه دموکراتیک خود می دانیم که به یکی از کاندیدان رأی بدهیم". هلری کلنتن و دونالد ترمپ پائین ترین کلمات را علیه یک دیگر استعمال کرده اند و هر دو مردم

را مورد تحقیر قرار داده اند. خدا رسانه های تلویزیونی را داده است که در جریان مبارزات انتخاباتی صد ها میلیون دالر بابت اعلانات و شعار های تبلیغاتی کاندیدان به دست می آورند. رسانه ها همچنان وظیفه دارند که مسیر فکری مردم را به نحوی که صاحبان سرمایه آرزو دارند، به حرکت اندازند. در امریکا سیستم انتخاباتی جذابیت قبلی خود را از دست داده است. صرف دو حزب یعنی حزب دموکرات و جمهوری خواه عملاً اجازه فعالیت می یابند. البته گروه ها و احزاب دیگر هم می توانند روی صحنه سیاسی کشور ظاهر شوند، لکن شرایط ظهور و نشو و نمای احزاب طوری از جانب سیستم عیار گردیده که مجالی برای حضور دایمی حزب دیگر داده نمی شود. روی همین دلیل است که تبارز یک جریان سیاسی سوم و یا شخص بیرون از سیستم بسیار زود گذر است و بعد از هیاهوی چند روزه، اثری از جریان سیاسی و یا شخص تازه وارد باقی نمی ماند. خلاصه این که، سیستم نه می خواهد و نه اجازه می دهد که فردی و یا جریانی در بیرون و یا ماورای سیستم ظاهر شود و حرکت نماید. اگر ترمپ در انتخابات ناکام گردد که احتمالش زیاد است، او هم از نظر گاه سیاسی به یک کنجی حواله خواهد شد، مگر این که خودش دست به کدام ماجراجویی بزند. باید یاد آور شوم که از زمره افراد واجد شرایط رأی دهی، صرف بین ۳۰ و ۴۰ درصد مردم رأی می دهند و بقیه اصلاً زحمت رفتن به پای صندوق های رأی را به خود نمی دهند. این نفرت دیگر مردم از یک نواخت بودن سیستم انتخاباتی است که مؤثریت خود را در انظار عامه از دست داده است.